



The Sayings
of
Mansoor Hashemi Khorasani





Code: 14

Morals



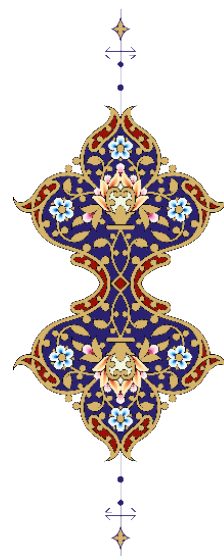
Bismillah Ar-Rahman Ar-Rahim

A Sermon from his honor in which he has gathered all aspects of wisdom (Hikmah).

The saying text:

شماری از یارانمان ما را خبر دادند، گفتند: جناب منصور هاشمی خراسانی در قریه‌ای فرود آمد تا اهل آن را به سوی خداوند و خلیفه‌اش در زمین دعوت کند؛ پس اهل آن از او استقبال کردند و او به مدت سه روز در میان آنان میهمان بود، تا هنگامی که خواست از میان آنان برود، به سوی او شتافتند و پیرامونش را گرفتند و گفتند: ای دوست خدا! پیش از آنکه بروی ما را پند بده؛ چراکه جز به حکمت از تو سخنی نشنیدیم و سخن تو صخره‌ها را به جنبش در می‌آورد! پس آن جناب بر لبه‌ی حوضی ایستاد تا همگان او را ببینند و فرمود:

«ای مردم! بدانید که هیچ سرمایه‌ای برای شما سودمندتر از دانایی نیست و مردم یکی از سه کس هستند: کسی که می‌داند، کسی که در صدد دانستن است و کسی که کسی نیست. ای مردم! در زندگی‌های خود فرو نروید و از آن چه بر دنیا و آخرت‌تان می‌رود بی‌خبر نمانید. بی‌خبری در این روزگار گناهی بسیار بزرگ است. با قرآن انس بگیرید و آن را به کار بندید. با سنت پیامبر و خاندانش آشنا شوید و از آن پیروی کنید. عقل‌های خود را به کار اندازید و سخنان اینان -و با دست به ملایان و بزرگان قریه اشاره کرد- را بسنجید. اگر آن را مطابق با عقل‌های خود و مطابق با قرآن و سنت یافتید بپذیرید وگرنه به دیوار بزنید و گناه آن بر گردن من باشد. جز خدا و گماشتگانش در زمین هیچ کس را شایسته‌ی اطاعت ندانید که یهود را اطاعت از ملایان و بزرگان‌ش همراه کرد؛ چنانکه در قرآن آمده است: ﴿اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾ (توبه / ۳۱). تقلید ریشه‌ی عقل را می‌خشکاند و جایی برای تفکر نمی‌گذارد. نسبت به باورهای کهنه و دیدگاه‌های غلط خود تعصب نداشته باشید که چنین تعصبی درباره‌ای از درباره‌های جهنم است. بهترین شما کسی است که معرفت بیشتری داشته باشد، نه کسی که نماز و روزه‌ی بیشتری دارد. ایمان و عمل صالح مانند این دو انگشت من -و دو انگشت میانی و اشاره را به هم پیوست- به یکدیگر پیوسته‌اند و هیچ یک بدون دیگری شما را سود نمی‌رساند.



ایمان، عقیده‌ی درست است و کسی که عقیده‌ی درستی ندارد اگر چه از عابدترین مردم باشد رستگار نخواهد شد. پس عقیده‌ی خود را در میزان عقل قرار دهید و به قرآن و سنت عرضه کنید مبادا که به خطا رفته باشید. شیفته‌ی دنیا نشوید و آخرت خود را به آن نفروشید. آن کس که آخرت خود را به دنیا فروخته معامله‌ی زیانباری کرده و ورشکست شده است. از خواهش‌های نفس پیروی نکنید که خواهش‌های نفس را پایانی نیست، بل به ندای وجدان گوش بسپارید که مایه‌ی پشیمانی نخواهد شد. واپسین سخن من با شما این است که امام زمان خود را بشناسید؛ چراکه هر کس امام زمان خود را شناسد دین خود را شناخته است و در چنین کسی خیری نیست. من چند روزی میهمان شما بودم و اکنون از میان شما می‌روم. شما خوب میزبانی برای من بودید - خداوند شما را خیر دهد-؛ پس آیا من خوب میهمانی برای شما بودم؟».

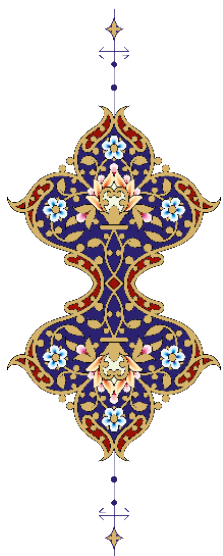
مردم از هر سو پاسخ دادند: تو بهترین میهمانی بودی که تاکنون داشته‌ایم. پس آن جناب ادامه داد:

«اگر چنین است پس من و سخن من را از یاد نبرید و به یاد یکدیگر بیاورید و به آنانی که من و سخن من را نمی‌شناسند برسانید، شاید خداوند به آنان سود رساند. خداوند درباره‌ی من از شما خواهد پرسید که آیا به سخن بنده‌ام که او را به سوی شما آوردم گوش سپردید؟! من همه‌ی شما را به خداوند مهربان می‌سپارم و امیدوارم که تقدیر، مرا به سوی شما یا شما را به سوی من بازگرداند؛ و السلام علیکم ورحمت الله».

آن گاه از لبه‌ی حوض پایین آمد و به طرف ملایان قریه که با خشم در کناری ایستاده و به سخنان او گوش سپرده بودند رفت و از آنان دلجویی کرد؛ چراکه دانست از او کینه به دل گرفته‌اند و سپس به همراه یارانش از قریه بیرون شد تا در زمین سیر کند.

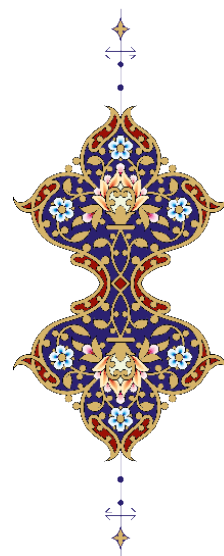
Translation of the saying:

A number of our helpers informed us and said: his honor



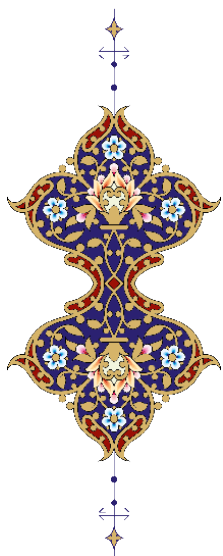
Mansoor Hashemi Khorasani came to a village to invite its residents toward God and His Caliph on earth; He was so welcomed among the residents of the village and he was their guest for three days, when he was about to leave them, they rushed toward him and surrounded him and they said: Oh you friend of God! Give us some advice before you leave; because we have not heard anything other than wisdom from you and your words shake the rocks! So he stood up on the bump edge of a pool so that everyone could see him and then he said:

“Oh you people! Be informed that no treasure is more beneficial for you than knowledge and people are one of three types: one who knows, one who intends to learn and one who is not anyone. Oh you people! Do not drown into your lives and do not remain unaware of what is going on with your world and your hereafter. Being unaware is a very big sin in this era. Familiarize yourself with Quran and use it. Familiarize yourself with the Sunnah of the Prophet and his family and follow it. Use your intellects and measure speeches of these people –and he pointed toward the scholars and elders of the village-. If you found it in accordance with your intellects and in agreement with Quran and Sunnah then accept it, otherwise throw it to the wall and in that case I take the responsibility of your sin. Do not deem anyone other than God and His deputies on earth qualified to be obeyed, since the Jews went astray because they obeyed their elders and scholars; as it has been mentioned in Quran: **﴿اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾** (At-Taw-



bah/ 31) “They considered their scholars and monks, as Lords apart from God”. Imitation will dry out the root of intellect and will not leave any room for thinking. Do not have prejudice over your old beliefs and incorrect views because such a prejudice is a door from the doors of hell. The best of you is the one who has more knowledge, not the one who has more prayer and fasting. Faith and good deed are like these two fingers of mine –and he connected two middle and index fingers- connected to one another and neither of the two will benefit you without the other. Faith is the correct belief and one who does not have the correct belief will not see salvation even if he is among the most pious worshipers. So weigh your beliefs with intellect measurement and expose them to Quran and Sunnah, lest you have gone astray. Do not fall in love with the world and do not sell your hereafter at this world’s expense. One who has sold his hereafter to this world has done a harmful deal and has gone bankrupt. Do not follow passions as there is no end to passions, rather listen to the call of your consciousness as that will not bring about regret for you. My last words with you is to know the Imam of your time; because anyone who does not know the Imam of his time has not known his religion and there is no goodness in such a person. I was your guest for a few days and I am leaving you now. You were a good host for me –may God bless you-; were I a good guest for you?”

People responded from every corner: you were the best guest that we have ever had. Then his honor continued:



“If so, then do not forget me and my words and remind each other and deliver to those who do not know me and my words, may God benefit them. God will ask you about me that did you listen to the words of my servant whom I brought to you?! I leave you all under protection of God the merciful and I hope that destiny brings me back to you or brings you back to me; wa salamualaikum aa rahmatullah”.

Then he came down from the bump edge of the pool and walked to the scholars and elders of the village who were standing with anger on a corner and were listening to him and made amends to them; because he learned that they have gained some hatred toward him and then he left the village along with his helpers to travel on earth.

